سرمقاله

استخراج معادن، از رؤیا تا واقعیت

حفیظ الله زکی

رییس جمهور در دیدار با هیات چینی گفته است که در ده سال آینده افغانستان از بزرگترین صادر کنندگان آهن و مس در جهان خواهد بود. وی افزوده که از صد درصد منابع زیر زمینی افغانستان، ۳۳ درصد آن تاکنون کشف شده که ارزش آن در حدود یک تریلیون (هزار میلیارد) دالر برآورد شده است.

تاکنون دولت افغانستان قادر به تولید و استخراج مس و آهن در این کشور نیست. بیشتر مواد نفتی افغانستان و همچنین مقدار زیادی از برق مصرفی از خارج این کشور وارد می‌شود.

رئیس جمهور منابع آبی این کشور را یک فرصت ذکر کرده و گفته که به کارگیری از فن آوری جدید آبی، این کشور را قادر خواهد کرد که ۲۶ هزار مگاوات برق آبی تولید کند و صادر کننده برق به هند و پاکستان باشد. او بر مبنای یک تحقیق تازه گفته است که این کشور سالانه ظرفیت تولید ۸۰ تا ۱۵۰ هزار مگاوات برق آفتابی دارد.

البته این گفته ها درست است و اگر افغانستان مؤفق شود از ذخایر زیر زمینی خود استفاده نماید، بدون شک از لحاظ اقتصادی به خود کفایی رسیده و مردم افغانستان از رنج بی پایان گرسنگی نجات می یابند. امروز مردم افغانستان با شکم گرسنه روی گنجی خوابیده که قدرت استفاده و بهروری از آن را ندارند. حکومت های ناکارآ و خودکامه و غرق در فساد و تباهی افغانستان بجای برداشتن گامهای عملی در راستای استخراج درست معادن، همواره مردم را با این شعارها فریب داده اند که اگر امروز شما گرسنه هستید و از گرسنگی می میرید، اگر از تعلیم و خدمات با کیفیت صحی بی بهره هستید، پروا ندارد، افغانستان بزرگترین ذخایر زیر زمینی جهان را دارد، چنانچه این معادن به بهره برداری برسد، افغانستان به کشور پیشرفته در میان کشورهای در حال توسعه تبدیل می شود.

معادن افغانستان پیش از آن که درد فعلی مردم افغانستان را مداوا کرده باشد، به خوشخیالی مردم نسبت به آینده منجر گردیده و باور کاذبی را در این مورد به وجود آورده است.

امروز هم بحث معادن افغانستان پیش از آن که راه حلی برای مشکلات فعلی مردم افغانستان جستجو کند، فریبی برای به فراموشی سپردن دردها و نارسایی های واقعی مردم به شمار می آید. آیا واقعا باید مردم افغانستان خوشحال باشند که تا ده سال آینده معادن مس و آهن کشور استخراج گردیده و درآمد ناشی از آن می تواند بودجه عادی و انکشافی افغانستان را تأمین کند؟ آیا با استخراج معادن بر فقر و بیکاری مطلق مردم نقطه پایان گذاشته می شود و مسیر توسعه و پیشرفت به روی شهروندان باز می گردد؟

هرگز چنین نخواهد شد. با توجه به وضعیت نابسامان و ناگوار کنونی و بررسی میزان لیاقت، صداقت و تعهد دولتمردان فعلی، ده سال آینده برای مردم افغانستان بسیار دشوارتر، سخت تر و نکبت بارتر از وضعیت کنونی خواهد بود.

وقتی رییس جمهور از استخراج معادن مس و آهن و از تولید صدها هزار میگاوات برق آبی و آفتابی سخن می گوید؛ چنین به نظر می رسد که رییس جمهور چشمش را بر واقعیت های گوناگون سیاسی، امنیتی واجتماعی بسته و صرف جهت سرگرمی مردم به افسانه خوانی روی آورده است.

بلی افغانستان به عنوان نقطه وصل آسیای مرکزی، جنوبی و شرقی و به عنوان پل عبور میان کشورهای آسیایی از اهمیت فراوانی می تواند برخوردار باشد. این اهمیت جغرافیایی البته امروز به وجود نیامده است. این کشور از قرن ها پیش تاکنون دارای این اهمیت ژیواستراتژیک بوده است، اما حکومت های افغانستان چقدر توانسته از این پتانسیل به نفع افغانستان و مردم آن استفاده کند. استفاده از مجموع این پتانسیل ها با شعار و گفته های احساسی ممکن نمی شود. بایدعرصه ها، زمینه ها و ظرفیت های بهروری از چنین توانایی های بالقوه در افغانستان فراهم گردد. امنیت، ثبات، عدالت و برابری و تأسیس زیربناهای ضروری از مهمترین پرامترهایی اند که بهره وری از ظرفیت های بالقوه افغانستان را امکان پذیر می سازد. تا زمانی که این مفاهیم با واقعیت های زندگی شهروندان بیگانه باشد، دلخوشی به استخراج معادن، ساده لوحی خواهد بود.

پیگیری جدی دوسیه های فساد مالی

عبدالله هروی

گزارش های نشر شده حاکی از آنست که ریاست امنیت ملی کشور، رییس و معاون تصفیه کابل بانک پیشین را هنگام گرفتن صد هزار دالر رشوه ازیکی از بده کاران کابل بانک را دستگیر کردند. مقامات سارنوالی در امر مبارزه با فساد اداری بدون آنکه از افراد دستگیر شده نام ببرد میگویند که دو مقام تصفیه کابل بانک درحال حاضر زیرپیگرد جدی قرار دارند و پرونده آنان به دادگاه فرستاده خواهد شد. افراد یاد شده زمانی دستگیر شده اند که رییس جمهور در دیدارش با کمیته تصفیه کابل بانک، دستور داده بود که تا یک هفته دیگر باید تمامی بدهی کاران کابل بانک بدهی های شان را به پردازند.

سارنوالی مبارزه با فساد اداری می گوید که رییس جمهور پس از بازگشایی پرونده کابل بانک سه ماه به این بدهی کاران فرصت داده بود تا بدهی هایشان را بپردازند. چندی قبل در ارتباط با یکی دیگر از دوسیه های الوده به فساد در نهادهای حکومتی رییس اداره عالی مبارزه با فساد اداری خواستار پیگیری جدی پرونده شش متهم به فساد اداری در وزارت شهرسازی شد. وی تاکید ورزیده است که تنها اعلام بررسی پرونده این متهمان کافی نیست، بلکه این پرونده بزرگ فساد اداری به گونه بسیار دقیق و همه جانبه باید رسیدگی شود. گفته می شود که دوسیه های کابل بانک و دوسیه مربوط به فساد در وزارت شهرسازی از مهم ترین و بزرگترین پرونده های فساد در کشور به شمار می آیند.

متاسفانه واقعیت امر آنست که مسئله فساد گسترده اقتصادی و اداری و سیاسی در کشور به اندازه ای عمیق و فاجعه بار است که نام افغانستان را در سطح بین المللی در سایه خود قرار داده و کشور را در فهرست بدنام ترین کشورهای جهان قرار داده است. افزون بر آن پیامدهای بسیار فاجعه باری را برای کشور بدنبال داشته است.

در امر ریشه یابی چنین فسادی گسترده و مافیایی لازم است که دقت و تامل جدی صورت گیرد. بر اساس تحلیل های صورت گرفته از سوی آگاهان امور توسعه نیافتگی و فساد و بحران، همانند یک دور باطل، کماکان یکدیگر را تقویت نموده و آن را به بخشی از خصوصیت و ویژگی حکومت افغانستان تبدیل کرده است. بررسی های صورت گرفته در ارتباط به علل و زمینه های بروز فساد مالی و اداری در جهان نشان می دهد که در بیشتر کشورها جهان سوم عوامل مشترکی موجب گسترش فساد شده است. بررسی عوامل و زمینه های یاد شده به عنوان شاخص های بروز بحران فساد مالی و اداری در باره افغانستان نیز مصداق دارد. زیرا افغانستان از جمله کشورهای به شدت عقب نگهداشته شده جهان سوم میباشد و همواره درگیر بحران و ناامنی بوده است و از جانب دیگر در کشورهای جهان سوم، فساد در سطوح مختلف و در عرصه های گوناگون به عنوان یک هنجار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی نهادینه شده است. اما اگر بخواهیم علل و عوامل بروز فساد مالی و اداری را در کشور به صورت بسیار کوتاه و اجمالی بیان نماییم می توان گفت عوامل و زمینه های زیر در بروز بحران فساد مالی و اداری در کشور نقش دارند: بزرگی یا چاق بودن دولت یکی از دلایل اصلی شیوع فساد در کشور است.

زیرا کارشناسان و صاحب نظران بدین باور هستند که نبود دولت بر مبنای تیورهای سیاسی نوین، مشکلات زیادی را در عرصه نهاد سازی بعیان می آورد. این دولت ها از یک سوی تلاش دارند که همه امور را در اختیار خود قرار دهند و از سوی دیگر فاقد توان رسیدگی به آن امور بوده و کنترل و نظارت دقیق بر آن ها را ندارند. تلاش برای سلطه بیشتر و در اختیار گرفتن همه امور موجب به وجود آمدن نیاز کاذب و استخدام کارکنان برای تصدی وظایف ایجاد شده و محوله به دولت می باشد. به این سبب افراد فاقد تخصص وتعهد، اغلب با حمایت ازمقام های ارشد از سوی دستگاه دولت استخدام می شود. طبیعی است که در چنین وضعیتی معمولاً مدیران نخبه و برجسته در راس ادارات قرار نمی گیرند، بنابر این بزرگی و گستردگی دامنه و سفره دولت خود به خود موجب تضعیف و ناتوانی و سوئ مدیریت و بروز فساد های ناشی از آن می شود.

ضعف قوانین و مقررات یکی از مشکلات اساسی و مهم در افغانستان و کشورهای جهان سوم و بحران زده می باشد. متاسفانه ضعف وناکارآمدی قوانین سبب می گردد که اصل شایسته سالاری و به مصرف رساندن بودجه و امکانات حکومتی به دقت و درستی صورت نگیرد. بررسی ها نشان می دهد که بیشتر قوانین درکشورهای چون افغانستان با واقعیت های تاریخی و جامعه شناختی و عینی سازگاری و هم خوانی دقیق ندارد. علاوه بر این، در قوانین این کشورها تضادها زیادی وجود دارد. این تضادها موجب می شود که برخی از قانون شکنی ها توجیه شود و برداشت یکسان و همه پذیر از متون حقوقی بمیان نیاید. هم چنین گفته می شود که درکشورهای توسعه نیافته، قوانین ضعیف، توجیه کننده اعمال فساد آمیز شده و امکان برخورداری شخصی از منافع موجود در درون ساختار را فراهم میکند.

به عنوان مثال در افغانستان تعدادی از مقام های بلند پایه که از امکانات دولتی زیادی برخوردار هستند و قرایند مزاییده خصوصی سازی پروژه های کلان را طراحی کردند خود از افرادی اند که مانع تقویت بخش خصوصی می شوند و این خواست خود را پوشش قانونی می دهند.

عامل دیگر در بروز و گسترده شدن فساد مالی و اداری ضعف و ناتوانی قوه قضاییه است. ناتوانی یا کوتاهی قوه قضاییه در رسیدگی به تخلف ها، عامل جری شدن و جدی شدن مرتکبین فساد می شود.

هم چنین فاسد بودن عناصر عدلی و قضایی با اعمال نفوذ در رسیدگی به دوسیه ها و قضایایی آلوده به فساد، بخشی از زنجیره کارکنان فاسد را تشکیل می دهد که در نهایت روند آلودگی به فساد مالی و اداری را در ساختار های حکومتی گسترده ساخته و به نحوی به آن مصئونیت می بخشد.

تحلیل گران بدین باور هستند که در کشورهای جهان سوم قوای سه گانه دولت اغلب تحت نفوذ یکدیگر قرار دارند. بدین جهت قوه قضاییه همواره تحت تاثیر قوه مجریه قرار دارد که بیشتر اعضای ارشد و رهبری آن از سوی قوه مجریه انتخاب می شود؛ بدین خاطر نوعی هم گرایی سیاسی در راستای منافع قوا، میان اعضای ارشد دستگاه قضایی با قوه مجریه به وجود دمی آید؛ که در افغانستان نیز متاسفانه چنین است. در کشورهای چون افغانستان، اگر اراده ای برای مقابله با فساد وجود داشته باشد سیاسی بودن یا سیاسی شدن اقدامات قضایی به بهانه مبارزه با فساد، بخشی از معضل فرایند سیاسی بوده و به عنوان مانعی در تحقق مقابله با فساد محسوب می شود. نتیجه این رودر رویی ها و رقابت برای کسب قدرت و منفعت در میان دوسیه های مبارزه با فساد امری قابل پیش بینی بوده و بیش تر به عنوان یک رویه مطرح می باشد.

بنابراین هرگونه اقدام و تحرک حکومت برای مقابله با فساد بدون دستگاه قضایی سالم امکان پذیر نخواهد بود. اجرای قوانین ضد فساد مالی واداری مستلزم وجود دستگاه قضایی کار آمد، آینده نگر، مسئول و پاسخ گو است. بنابراین انتظار برده می شود که حکومت وحدت ملی در راستای تحقق چنین امری با دقت و قاطعیت برخورد نموده و دوسیه های مربوط به فساد مالی و اداری را بدون کم ترین غفلت و سهل انگاری یا مصلحت سنجی بررسی نموده و با عاملین آن طبق قانون و محکمه دادگاه های عادلانه برخورد نماید؛ تا باشد حداقل شالوده و سنگ بنای مبارزه با فساد در ساختار سیاسی و اداری کشور محکم گذاشته شود.

ظرفیت پایین حکومت در نظارت بر استخراج معادن

علی قادری

روز سه شنبه، رئیس جمهور غنی، با تعدادی از سرمایه گذاران چینی در ارگ ریاست جمهوری دیدار نموده است و افغانستان را کشور مناسب برای سرمایه گذاری دانسته است. او به سرمایه گذاران چینی گفته است که افغانستان به لحاظ جغرافیایی در موقعیت قرار دارد که می تواند آسیایی جنوبی، شرقی و مرکزی را به هم وصل نماید. رئیس جمهور گفته است که تا هنوز تنها ۳۳ در صد منابع زیرزمینی افغانستان کشف شده است که ارزش آن در حدود هزار میلیارد دالر برآورد شده است. وجود این منابع زیر زمینی غنی و فراوان با ارزش چندین تریلیون دالر افغانستان را در رده کشور های با منابع سرشار قرار می دهد که استخراج آن زمینه خودکفایی افغانستان را ممکن می گرداند. با این حال، این زمینه موانع و چالش های وجود دارد که ذکر آن خالی از فایده نخواهد بود. در مقاله زیر تلاش می شود که موانع و چالش ها را تا اندازه مورد بررسی قرار دهم.

اول: استخراج منابع طبیعی نیازمند امنیت و ثبات است. به غیر از ولایت بامیان هیچ ولایت دیگر از امنیت نسبی برخوردار نیست تا شرکت های خصوصی و دولتی بتواند با قرارداد با دولت به استخراج آن بپردازد. بنا بر گزارش وزیر جدید معادن دولت افغانستان بیش از سیصد قرارداد در راستای استخراج معادن امضا نموده است ولی به خاطر نبود امنیت شرکت های خصوصی و طرف قرارداد قادر به استخراج معادن نبوده است. وزارت معادن همچنین گفته است که امکان آن وجود دارد که گروه های تندرو و دهشت افکن کنترل معادن افغانستان در ولایت های مختلف را در دست گیرد و از استخراج آن به نیاز های جنگی و اولیه خود دست یابد. از این جهت، می توان گفت که مسئله امنیت یکی از مهمترین و اساسی ترین مشکل فراروی استخراج منابع زیر زمینی افغانستان است. دولت در حالی با سرمایه گذاران کشور های مختلف ملاقات می کند که هیچ تضمین در مورد تأمین امنیت راه ها و مناطق که در آن معادن واقع شده است، داده نمی تواند. همین مسئله، باعث می شود که کمتر سرمایه گذار بیرونی علاقمند سرمایه گذاری در بخش معادن افغانستان باشد. تشویق سرمایه گذاران و اطمینان خاطر دادن به آن ها نیازمند آن است که امنیت منطقه و راه های آن از سوی حکومت گرفته شود. تا هنوز این سوال سرمایه گذاران بی پاسخ مانده اند که حکومت افغانستان در بخش تأمین امنیت شرکت های سرمایه گذار چه کار های می کند.

دوم: مسئله دوم این است که دولت افغانستان به خاطر ظرفیت پایین وزارت معادن قادر به نظارت بر استخراج معادن کشور نیست. وزیر معادن چندی پیش، در پارلمان کشور صادقانه اعتراف نمود که وزارت معادن ظرفیت نظارت بر استخراج قراردادها را ندارد. نبود ظرفیت حکومت باعث می شود که سرمایه گذاران بتواند آزادانه و با دادن سود اندک به حکومت افغانستان کار نماید.این مسئله، بدون شک، به سود حکومت و مردم افغانستان نیست. از برای ما داشته باشد، به دیگران می بخشیم. بنابراین، لازم است که قبل از همه ظرفیت وزارت معادن را بالا ببریم تا این وزارت توان نظارت را پیدا نماید.

وقتی سخن از ناتوانی وزارت معادن در نظارت بر معادن در میان می آید، به نوعی مسئله کنترل نیز مطرح می شود. این بدین معنی است که حکومت و به صورت مشخص وزارت معادن کنترلی بر معادن افغانستان ندارد. سرمایه گذاران با ارتباط با گروه های شورشی می تواند به راحتی به استخراج معادن افغانستان بپردازد. این مسئله، نه تنها کمی به افغانستان نمی کند بلکه باعث می شود که معادن افغانستان نیز مافیایی شود. عدم کنترل حکومت بر معادن و کنترل معادن از سوی گروه های شورشی فرصت معامله و بده بستان گروه های تندرو با شرکت های سرمایه گذار را فراهم می کند. شرکت های سرمایه گذار به خاطر سود اقتصادی که به دست می آورد، ممکن با گروه های شورشی وارد معامله شود و به آن ها در بدل دادن اسلحه، پول و ... امنیت خود را تضمین نماید.بنابراین، حکومت با در نظر گرفتن این مسئله باید وارد گفتگو و صحبت با سرمایه گذاران کشور های مختلف در ارتباط با استخراج معادن گردد. در غیر آن امکان هدر دادن منابع زیر زمینی و مافیایی شدن معادن بسیار زیاد است.

سوم؛ تجربه کشور های مختلف در استخراج معادن نشان داده است که استخراج معدن ممکن پیامد های مثبت و منفی در پی داشته باشد. اگر حرکت به سمت خودکفایی اقتصادی و مالی را از مهمترین پیامد های مثبت استخراج معادن در نظر بگیریم تبعیض ها و استثمار کارگران معادن و در نهایت شورش کارگران از مهمترین پیامد های استخراج معادن است. آفریقایی جنوبی و تا ترکیه از مواردی است که کارگران دست به شورش زده اند و پایگاه اجتماعی حکومت را لرزان نموده است. در افغانستان ممکن در کوتاه مدت کارگران معادن به خاطر معاش پایین، امکانات اندک و بی توجهی کمتر حکومت اعتراض و شورش ننماید اما استخدام کارگر از دیگر ولایت ها ممکن باعث اعتراض مردمی شود که معدن در منطقه شان قرار دارد و حکومت از در استخراج معدن از کارگران دیگر ولایت ها استفاده می کند و سود ناشی از استخراج معدن در یک ولایت نیز در ولایت دیگر مصرف می شود. این دو مسئله، ممکن باعث نابسامانی و شکل گیری اعتراض ها شود.

اشتباه است اگر بپنداریم که این مسئله جزئی است. باور نگارنده این است که مردم محل با اعتراض های خود می تواند پروسه استخراج یک معدن را با چالش مواجه سازد. بنابراین، حکومت به صورت عام و وزارت معادن و شرکت های استخراج کننده نباید از کارگران دیگر ولایت ها استفاده نماید. به عنوان مثال؛ حکومت افغانستان در استخراج معدن مس حاجی گگ نباید از کارگران ارزگان استفاده نماید.با در نظر گرفتن این موارد حکومت افغانستان می تواند زمینه از استخراج معادن به بهترین وجه ممکن استفاده نماید و باعث رشد و شکوفایی کشور گردد. اما در صورت که نکات فوق را در نظر نگیرد، امکان آن وجود دارد که گروه های تندرو از پروسه استخراج معادن استفاده نماید و منجر به تقویت جبهات و صفوف جنگی خود شود. درایت و مدیریت درست می تواند افغانستان را به یک منطقه تجاری تبدیل نماید و افغانستان را مرکز ترانزیت کشور های آسیایی مرکزی، جنوبی و شرقی بسازد. اما نگاه های معیوب و خام قبیله ای و قومی این فرصت را از افغانستان خواهد گرفت. در نهایت، ممکن گروه های تندرو و تروریستی از فرصت استفاده نموده و با برقراری روابط با کشور های سرمایه گذار امنیت آن ها را تضمین نموده و در عوض با بخش از سود استخراج معادن با سرمایه گذار هم شریک شود. این بدترین سیناریی ممکن در مورد استخراج معادن افغانستان است.

کارتون روز

افغانستان بازار گرم موتر های کهنه

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook AFGHANISTAN

□صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
□مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳٤۱۸٦۱
□سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱٥۷۳۷۱

□ کاریکاتوریست: خالق علی زاده

□دیزاین: محمد صالحی، علی‌اصغر زاهدی
□مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

□آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

◇
روزنامۀافغانستان از همۀ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدۀ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
◇
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
◇
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com